

حال گنہگار ان

ہنگام جان کنڈن

تہیہ و تنظیم : سید مسلم تحت دار

مدرسه امیریہ

جزیرہ قشم - گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حال گنهکاران هنگام جان کندن

تهیه و تنظیم:
سید مسلم تفت‌دار

مدرسه امیریه
بزره قشم - گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّنَا
مُحَمَّدٍ أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ عَلَى آلِهِ وَ صَحْبِهِ
أَجْمَعِينَ.

لحظات پایانی زندگی و جان‌کندن برای هر انسانی حساس و پر خطر است و این دغده همواره انسان‌ها را به تفکر واداشته که هنگام جان‌دادن چه اتفاقی می‌افتد و بعد از آن چه سرنوشتی در انتظار انسان است.

الله عزوجل، خالق آسمان‌ها و زمین جهت امتحان انسان‌ها و جنیان، امور غیبی را پنهان نگاه داشته است تا اینکه ایمان‌بندگان در بوته‌ی آزمایش قرار بگیرد. اما در قرآن و سنت هشدارهای مؤکدی داده که بدکاران، فاسقین و مجرمین سخت کیفر می‌شوند. الله عزوجل در سوره‌ی نازعات، آیه‌ی ۲۰۱ می‌فرماید: ﴿وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا
وَالنَّاشِطَاتِ دُخَانًا﴾.

قسم به فرشتگانی که جان گنهکاران را به سختی ستانند. و قسم به فرشتگانی که جان مؤمنان را به آرامی گیرند.

و در حدیثی البراء بن عازب رضی الله عنه می گوید:
خَرَجْنَا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فِي جِنَازَةِ رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ، فَأَنْتَهَيْتَنَا إِلَى الْقَبْرِ، وَلَمَّا يُلْحَدُ،

براء بن عازب رضی الله عنه می گوید: ما همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم برای تشییع جنازه‌ی مردی از انصار خارج شدیم تا اینکه به قبر رسیدیم که هنوز الحد آماده نشده بود.
فَجَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَجَلَسْنَا حَوْلَهُ، كَأَنَّ عَلَيَّ رُءُوسَنَا الطَّيْرَ، وَفِي يَدِهِ عُودٌ يَنْكُثُ فِي الْأَرْضِ، فَرَفَعَ رَأْسَهُ، فَقَالَ:

رسول الله صلی الله علیه وسلم نشستند و ما گرداگرد ایشان نشستیم گویا بر سر ما پرندگان قرار گرفته بودند

(کنایه از نهایت احترام و ادب اصحاب، نسبت به رسول الله صلی الله علیه و سلم است). در دست مبارک ایشان چوبی بود که به زمین می زد. پس سر مبارک خویش را بالا آوردند و فرمودند:

" اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ مَرَّتَيْنِ، أَوْ ثَلَاثًا، "، ثُمَّ قَالَ: ... وَإِنَّ الْعَبْدَ الْكَافِرَ إِذَا كَانَ فِي انْقِطَاعِ مِنَ الدُّنْيَا وَإِقْبَالِ مِنَ الْآخِرَةِ، نَزَلَ إِلَيْهِ مِنَ السَّمَاءِ مَلَائِكَةٌ سُودُ الْوُجُوهِ، مَعَهُمُ الْمُسُوحُ، فَيَجْلِسُونَ مِنْهُ مَدَّ الْبَصَرِ،

ایشان دو بار یا سه بار فرمودند: از عذاب قبر به الله عزوجل پناه ببرید. سپس فرمودند:... هرگاه بنده‌ی کافری، زمان جدایی‌اش از دنیا و روی آوردنش به آخرت فرارسید فرشتگانی با چهره‌هایی سیاه و تاریک از آسمان بسویش فرود می‌آیند که پارچه‌ی غلیظ و خشنی به همراه دارند. این

فرشتگان کریه‌المنظر نزدیک به او به اندازه‌ی یک چشم‌انداز می‌نشینند.

ثُمَّ يَجِيءُ مَلَكُ الْمَوْتِ، حَتَّى يَجْلِسَ عِنْدَ رَأْسِهِ، فَيَقُولُ:
أَيَّتَهَا النَّفْسُ الْحَبِيئَةُ، اخْرُجِي إِلَى سَخَطِ مِنَ اللَّهِ وَعَظَابٍ".

سپس ملک‌الموت می‌آید تا اینکه نزد سرش می‌نشیند و می‌گوید: ای روح خبیث، بسوی خشم و نفرت الله عزوجل خارج شو.

قَالَ: " فَتُفَرَّقُ فِي جَسَدِهِ، فَيَنْتَزِعُهَا كَمَا يُنْتَزَعُ السَّقُودُ
مِنَ الصُّوفِ الْمَبْلُولِ، فَيَأْخُذُهَا، فَإِذَا أَخَذَهَا لَمْ يَدْعُوهَا فِي
يَدِهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ حَتَّى يَجْعَلُوهَا فِي تِلْكَ الْمُسُوجِ، وَيَخْرُجُ مِنْهَا
كَأَنَّ رِيحَ جَيْفَةٍ وُجِدَتْ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ،

روح (از ترس عذاب شدید) در اعماق جسمش منتشر می‌شود (و واپس می‌رود). پس ملک‌الموت با شدت هر چه تمام، آن روح خبیث را بیرون می‌کشد همان‌گونه که سیخ

آهنی از پشم نمناک بیرون کشیده می‌شود و آن را می‌گیرد. هنگامی که آن را گرفت؛ فرشتگانِ کریمه‌المنظر که حضور آورده‌اند هرگز آن روح خبیث را در دستان ملک‌الموت حتی به اندازه‌ی یک چشم به‌هم‌زدن رها نمی‌سازند تا اینکه آن را می‌گیرند و در آن کفن غلیظ و خشن قرار می‌دهند و از آن بوی گندیده‌ای خارج می‌گردد همانند بدبوترین مرداری که بر روی زمین یافت می‌شود.

فَيَصْعَدُونَ بِهَا، فَلَا يَمُرُّونَ بِهَا عَلَى مَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ،
إِلَّا قَالُوا: مَا هَذَا الرُّوحُ الْحَبِيثُ؟ فَيَقُولُونَ: فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ
بِأَقْبَحِ أَسْمَائِهِ الَّتِي كَانَتْ يُسَمِّي بِهَا فِي الدُّنْيَا،

آن روح خبیث را به آسمان بالا می‌برند. پس بر گروهی از فرشتگان گذر نمی‌کنند مگر اینکه می‌گویند: این روح خبیث کیست؟ می‌گویند: فلانی فرزند فلانی است به بدترین نامی که در دنیا به آن نامگذاری شده بود.

حَتَّىٰ يُنْتَهَىٰ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا، فَيُسْتَفْتَحُ لَهُ، فَلَا يُفْتَحُ
لَهُ، " ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ﴿لَا تُفْتَحُ لَهُمْ
أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ
الْحَيَاطِ﴾^۱

تا اینکه او را به آسمان دنیا بالا می‌برند پس برای
گشوده شدن در آسمان دنیا، برایش اجازه می‌گیرند. اما (به
او اجازه داده نمی‌شود) و در آسمان برایش گشوده نمی‌شود.
سپس رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم تلاوت نمود: هرگز
درهای آسمان بر روی آنان باز نمی‌شود و به بهشت داخل
نمی‌شوند تا اینکه شتر در سوراخ سوزن درآید.

فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: " اَكْتُبُوا كِتَابَهُ فِي سَجِّينٍ فِي الْأَرْضِ
السُّفْلَى، فَتَنْزَحُ رُوحُهُ طَرْحًا ". ثُمَّ قَرَأَ: ﴿وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ،

^۱ سوره اعراف، آیه ۴۰

فَكَأَنَّمَا حَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي
مَكَانٍ سَحِيقٍ^۱ .

الله عزوجل می فرماید: نامه‌ی عملش را در "سَجِّين" در
پایین‌ترین طبقه‌ی زمین بنویسید. پس روحش از آسمان
بسوی زمین با شدت پرتاب کرده می‌شود. سپس تلاوت
نمود: هر کس به خدا شرک آورد بدان ماند که از آسمان در
افتد و مرغان (در هوا) بدنش را با منقار بربایند یا بادی تند
او را به مکانی دور درافکند.

فَتَعَادَ رُوحُهُ فِي جَسَدِهِ، وَيَأْتِيهِ مَلَكَانِ، فَيُجْلِسَانِيهِ،
فَيَقُولَانِ لَهُ: مَنْ رَبُّكَ؟ فَيَقُولُ: هَاهُ هَاهُ لَا أَدْرِي، فَيَقُولَانِ لَهُ:
مَا دِينُكَ؟ فَيَقُولُ: هَاهُ هَاهُ لَا أَدْرِي، فَيَقُولَانِ لَهُ: مَا هَذَا
الرَّجُلُ الَّذِي بُعِثَ فِيكُمْ؟ فَيَقُولُ: هَاهُ هَاهُ لَا أَدْرِي،

۱ . سوره حج، آیه ۳۱

پس روحش به جسدش بازگردانده می‌شود. بلافاصله دو فرشته نزد او می‌آیند و او را می‌نشانند و به او می‌گویند: پروردگار تو کیست؟

می‌گوید: هاهاه، نمی‌دانم. به او می‌گویند: دین تو چیست؟ می‌گوید: هاهاه، نمی‌دانم. به او می‌گویند: این مردی که به نزد شما مبعوث شده؛ کیست؟ می‌گوید: هاهاه، نمی‌دانم.

فَيُنَادِي مُنَادٍ مِّنَ السَّمَاءِ أَنْ كَذَبَ، فَافْرِشُوا لَهُ مِنَ النَّارِ،
وَأَفْتَحُوا لَهُ أَبَابًا إِلَى النَّارِ، فَيَأْتِيهِ مِنْ حَرِّهَا، وَسَمُومِهَا،
وَيُضَيِّقُ عَلَيْهِ قَبْرَهُ حَتَّى تَخْتَلِفَ فِيهِ أَضْلَاعُهُ،

ندا دهنده‌ای ندا می‌زند که دروغ گفت. پس حصیری از آتش جهنم برایش پهن کنید و دری بسوی دوزخ برایش باز کنید. پس از حرارت و گرمی آن به طرفش می‌آید و گورش برایش تنگ کرده می‌شود تا اینکه دنده‌های دو پهلویش در هم فرو می‌روند.

وَيَأْتِيهِ رَجُلٌ فَيَبِّحُ الْوَجْهَ، فَيَبِّحُ الشَّيْبَ، مُنْتِنُ الرِّيحِ،
فَيَقُولُ: أَبْشِرْ بِالَّذِي يَسُوءُكَ، هَذَا يَوْمُكَ الَّذِي كُنْتَ تُوعَدُ،
فَيَقُولُ: مَنْ أَنْتَ؟ فَوَجْهَكَ الْوَجْهُ يَبْجِيءُ بِالشَّرِّ، فَيَقُولُ: أَنَا
عَمَلُكَ الْحَبِيثُ، فَيَقُولُ: رَبِّ لَا تُقِمِ السَّاعَةَ^۱

و شخصی قبیح‌المنظر با لباسی زشت و گندیده نزد او حاضر می‌شود و می‌گوید: بشارت باد تو را به چیزی که ناراحت و افسرده‌ات می‌کند. این همان روزی است که وعده داده شده‌ای (امروز همان روزی است که تو به آن اعتقاد نداشتی و برای نجات از چنین روزی، عمل صالح انجام نمی‌دادی.)

روح خبیث به او می‌گوید: تو کیستی؟ چهره‌ات چهره‌ای است که به شرّ می‌آید. می‌گوید: من عمل زشت تو هستم. پس می‌گوید: پروردگارا! قیامت را برپا نکن [زیرا هر چند که

^۱ . إسناده صحيح، مسند أحمد ۱۸۵۳۴

در اینجا عذاب سختی می‌چشد اما می‌داند که با برپایی قیامت، عذاب نیز شدیدتر از این می‌شود.]

در روایت ابوداود آمده: «ثُمَّ يُقَيِّضُ لَهُ أَعْمَى أَبْكُمْ مَعَهُ مِرْرِيَّةً مِنْ حَدِيدٍ لَوْ ضُرِبَ بِهَا جَبَلٌ لَصَارَ تُرَابًا» قَالَ: «فَيَضْرِبُهُ بِهَا ضَرْبَةً يَسْمَعُهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِلَّا الثَّقَلَيْنِ فَيَصِيرُ تُرَابًا» قَالَ: «ثُمَّ تُعَادُ فِيهِ الرُّوحُ»!

سپس برایش فرشته‌ای نابینا و لال مأمور او کرده می‌شود که پُتکی از آهن به همراه دارد. اگر با این پُتک به کوهی زده شود آن کوه، خاک می‌گردد.

پس با آن پُتک به او ضربه‌ای می‌زنند که هر چه بین مشرق و مغرب وجود دارد؛ می‌شنوند مگر انسان‌ها و جنیان (زیرا به این دو گروه، عقل داده شده و مکلفاند پس اگر امور غیبی برای ایشان آشکار گردد دیگر امتحان معنایی

۱. صحیح، ابوداود ۴۷۵۳

نخواهد داشت) پس به سبب آن ضربه، خاک می‌گردد.
سپس روح به جسم بازگردانده می‌شود (تا اینکه دو فرشته‌ی
منکر و نکیر، سوال قبر را از او بپرسند).

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.